

۱۴۸۸۳۷۳ شی کے

استونر

نویسندہ: جان ویلیامز

مترجم: ستارہ نعمت اللہی



سخن مترجم

نخستین باری که این رمان را خواندم شیفته‌ی سادگی شخصیت ویلیام استونر شدم؛ سادگی و شرافتی که برایم بسیار آشنا بود و اندوهی دور و ناشناخته را در من زنده می‌کرد. چندسالی حس خوب و اندوه دلنشین این کتاب را با خود حمل می‌کردم تا اینکه فرصت ترجمه‌ی آن را یافتم و به این بهانه چندین و چندبار دیگر هم آن را خواندم و هر بار آسمان سادگی و پیچیدگی لذت بردم. «استونر» داستان پسر جوانی است که برای بهبود زمین‌های کشاورزی‌شان به دانشگاه می‌رود تا در رشته‌ی کشاورزی درس بخواند و با خاک آشنا شود؛ اما عاشق ادبیات می‌شود و از آن پس هرآنچه از او می‌بینیم با عشق به ادبیات و تدریس پیوند می‌خورد. چیزی شبیه به زندگی خود جان ویلیامز که بیشتر عمر خود را در مدرسه تدریس کرد و عاشق ادبیات بود.

راهی که این کتاب از نخستین باری که به چاپ رسید، تا زمانی که یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌های سال اروپا شد طی کرد هم خواندنی‌ست. جان ویلیامز در سال ۱۹۶۳ در جواب ناشرش، مارگرودل که پس از خواندن استونر آن را تحسین کرده بود و در عین حال گفته بود که او نباید به موفقیت فروش این کتاب دل ببندد، نامه‌ای نوشت: «گمان کنم در مورد احتمال فروش کتاب با شما هم‌نظرم، از طرفی هم گمان می‌کنم شاید غافلگیر شویم. بله، خیال بزم نداشته‌ها «استونر» ممکن است یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌ها یا چیزی شبیه این شود، اما اگر درست به آن پرداخته شود - یعنی ناشر آن را یک رمان آکادمیک معمولی فرض نکند - درست همان‌قدر که «راسته‌ی قصاب‌ها» را یک رمان وسترن فرض کردند - ممکن است فروش آبرومندانه‌ای داشته باشد. تنها چیزی که یقین دارم این است که این رمان، رمان خوبی است. شاید حتی از جمله رمان‌های عالی هم به شمار آید.»^۱

«استونر» در سال ۱۹۶۵ تنها در دوهزار نسخه چاپ شد؛ چندین نقد در مورد آن نوشته شد و فروش معمولی قابل قبولی داشت و پس از آن هم تجدید چاپ نشد؛ تا اینکه انتشارات وینتیج^۲ در سال ۲۰۰۳ و مجموعه‌ی کلاسیک نشریه‌ی ادبی نیویورک^۳

1. Marie Rodell

۲. برگرفته از روزنامه‌ی گاردین -

3. Vintage

4. New York Review of Books

در سال ۲۰۰۶ آن را دوباره چاپ کردند و کم‌کم جای خود را در دل خوانندگان باز کرد. اما در واقع موفقیت چشم‌گیر این رمان در سال ۲۰۱۱ و در فرانسه بود که ناشران در دیگر کشورها را به چاپ این کتاب ترغیب کرد و تقریباً پس از گذشت پنجاه سال از آن‌نامه، «استونر» در سال ۲۰۱۳ پرفروش‌ترین کتاب سال اروپا شد؛ جان ویلیامز در سال ۱۹۹۴ از دنیا رفت و شاهد موفقیت این رمان نبود.

برای من عجیب بود که این کتاب در اروپا موفقیت بیشتری داشت و تا آن زمان، این رمان و حتی خود جان ویلیامز در آمریکا چندان شناخته‌شده نبودند. سیلویا براونریگ^۱ در این باره می‌گوید: «به نظر من سکوت و کم‌گویی این رمان بسیار غیرآمریکایی است. مکان و موقعیت در آمریکاست، اما شخصیت اصلی داستان بیشتر انگلیسی یا اروپایی به نظر می‌رسد؛ شخصیتی مبهم، ذاتاً نجیب و مطیع. شاید دلیل اینکه این رمان چنگی به دل آمریکایی‌ها نبرد این بود که این شخصیت را یکی از خودمان نمی‌دانیم. ما کشور آدم‌های زیاده‌طلب‌ایم، آن‌ها انواع راسر و صدایش؛ طبیعتاً استت‌ناهایی هم وجود دارد، اما حتی آن‌ها که میانه‌رو و محافظه‌کار به هم، آن‌طور غمگین و ساده نیستند. چیز دیگری هم که به ذهن من رسید این بود که در «استونر» الکل کم می‌نوشند! داشتیم به این فکر می‌کردم که شخصیت‌های درون‌گرا و به ستوه آمده آمریکایی، مثلاً کارور^۲ و ریچارد بیتس^۳، برای اینکه بتوانند خود را مهار کنند و ناامیدی‌هایشان بپذیرند اغلب الکلی می‌شوند.»

پیش‌گفتاری از جان مک‌گاهر^۴ در نسخه چاپ‌شده‌ی این کتاب در مجموعه‌ی کلاسیک نشریه‌ی ادبی نیویورک آمده که بسیار خواندن‌ساز است و آن را به انتهای کتاب برده‌ام تا خواندن رمان بی‌پیش‌داووری آغاز شود.

ساره نعمت‌اللهی

بهار ۱۳۹۶

۱. Sylvia Brownrigg: نویسنده‌ی آمریکایی که نقدهای ادبی او در بسیاری از نشریات مطرح ادبی همواره

مورد توجه بوده است.

۲. Raymond Carver: شاعر و نویسنده‌ی آمریکایی

۳. Richard Yates: نویسنده‌ی آمریکایی

۴. جان مک‌گاهر (۲۰۰۶-۱۹۳۴) یکی از سرشناس‌ترین نویسندگان ایرلندی زمان خودش بود. کارهای او، از جمله شش رمان و چهار مجموعه داستان کوتاه، اغلب بر روی مسائل بفرنج سیاسی و فرهنگی ایرلند تمرکز داشت. شناخته‌شده‌ترین کتاب او، «در میان زنان» نامزد دریافت جایزه‌ی بوکر[#] شد و سریال تلویزیونی پرطرفداری بر اساس آن ساخته شد. آخرین کتاب او، «همه چیز ختم به خیر خواهد شد»[#]، که مجموعه خاطرات اوست، کمی پیش از مرگش چاپ شد.

مقدمه

جان ویلیامز (۱۹۹۱-۲۲) در شمال شرق تگزاس به دنیا آمد و همان‌جا بزرگ شد. با وجود استعدادی که در نوشتن و بازیگری تئاتر داشت، پس از پایان سال اول دانشگاه به دلیل اینکه به انست نمره‌های لازم را کسب کند اخراج شد. سپس علی‌رغم میل باطنی‌اش به پیروهای تئاتر کاتی جنگ پیوست و هم‌زمان پیش‌نویس اولین رمان خود را نوشت. پس از بازگشت به خانه، ناشر کوچکی برای چاپ رمان‌اش یافت، تحصیلات‌اش را در دانشگاه دنور آغاز کرد و مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشدش را از همان‌جا دریافت کرد؛ جایی که قرار بود در سال ۱۹۵۴ به آن بازگردد و تدریس کند. او تا سال ۱۹۸۵ که بازنشسته شد در دانشگاه دنور باقی ماند و به تدریس نویسندگی پرداخت. در طی این سال‌ها در دانشگاه‌های دیگر نیز مدرس مهمان بود و هم‌زمان دو جلد کتاب شعر و سه رمان «راسته‌ی قصاب‌ها»، «استونر» و «آگوستوس» را، که برنده‌ی جایزه‌ی ملی کتاب^۱ شد، به چاپ رساند.

این کتاب به دوستان و همکاران قدیمی ام در دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه میزوری تقدیم شده است. آنها بی‌درنگ متوجه خواهند شد که این یک اثر داستانی است و هیچ شخصیتی از این کتاب از روی هیچ کسی، زنده یا مرده، به تصویر کشیده نشده است و هم‌تای هیچ کدام از این رویدادها در دانشگاه میزوری رخ نداده است. آنها همچنین درک خواهند کرد که من در توصیف دانشگاه میزوری، چه از دید ظاهری، چه تاریخی، خود را آزاد گذاشته‌ام؛ که در نتیجه‌ی آن می‌توان گفت حتی مکان هم مکانی ساختگی است.

www.ketaboo.ir